

۴۰۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ شهریور ۱۳۹۶ - ۱ سپتامبر ۲۰۱۷

در مورد مباحث و نحوه برگزاری کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)

صفحه ۳

گفتگو با رحمان حسین زاده

فراخوان تظاهرات در دفاع از مبارزات کارگری در ایران

روحانی و مولوی عبدالحمید و "ماموستا" امینی سر و ته یک کرباسند!

صفحه ۶

جمال کمانگر

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به

هدیان گویی های ناسیونالیسم کرد!

صفحه ۷

آذر ماجدی

ابراهیم یزدی از دریچه تاریخ

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

کشتن مردم تحت هر بهانه ای قویا محکوم است

(در مورد واقعه منطقه جومان در کردستان عراق)

در صفحات دیگر: اطلاعیه سندیکای واحد در باره رضا شهابی، تظاهرات در دفاع از زندانیان

سیاسی، حمایت اتحادیه های ایتالیا از رضا شهابی، اطلاعیه مرکز خبری کمیته کردستان و ...

ستون اول،

اعتراض کارگران هپکو و آذر آب آینده را تصویر میکند!

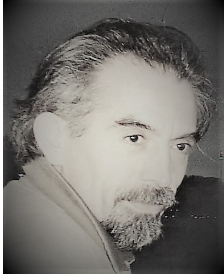
در هفته جاری باز دیگر کارگران هپکو و کارگران آذر آب اراک با اجتماع و راهپیمایی در خیابانهای این شهر، بطور سمبولیکی خشم انباشته دهها میلیون کارگر و زحمتکش را بنمایش گذاشتند.

روز چهارشنبه ۸ شهریور، طی دو اجتماع و راهپیمایی جداگانه، کارگران عاصی هپکو و آذر آب به خیابانها آمدند تا بر مطالبات محقق نشده شان تاکید کنند. شرکت آذر آب با ۱۵۰۰ کارگر در زمینه تولید تجهیزات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی فعال است و درگیر بحرانهای اقتصادی و مالی است. کارگران آذر آب که تعدادشان صدها نفر بود با راهپیمایی و اجتماع مقابل ادارات دولتی از جمله استانداری و اداره صنعت و معدن، خواهان پرداخت فوری شش ماه دستمزد معوقه خود شدند. کارگران معترض برای اعلام اعتراض و دیدار با مسئولین وارد استانداری اراک شدند که با سد نیروهای امنیتی و حفاظتی روبرو و با خشونت آنها را به بیرون محوطه استانداری هدایت کردند.

چند خیابان آطرف تر، کارگران ماشین سازی هپکو در میدان شهدای شهر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



دکتر رفتن، هزینه آموزش فرزندان و مسکن روبرو هستند. صندوق بیمه بازنشستگان در دست عده ای بورس باز و متقلب به وسیله کسب درآمد و تعرض به سفره خالی بازنشستگان صنعت فولاد بدل شده است.

گسترش اعتراضات کارگری، همزمانی و سراسری شدن اعتراضات رشته ای، رشد سه برابر و بیشتر میزان اعتراضات

کارگری در شش ماه گذشته، فی نفسه از تشدید بحران و وضعیت فلاکتبار و غیر قابل تحمل اقتصادی سخن میگوید. رسانه های اصلی و خبرتراش هرچه با برجام و کابینه روحانی و دیپلماسی منطقه ای و اختلافات درونی باندهای اسلامی ور میروند، نتوانسته اند پرده ساتری بر روندهای بنیادی جامعه ایران بیافکنند. در کنار و بموازات رقابت درونی افسار سرمایه دار و قدرتهای درون و بیرون حکومت اسلامی، یک جامعه، دهها میلیون در سایه اختناق اسلامی به نابودی و فقر و گرسنگی و بیماری و بی آیدنگی محکوم شده اند. جامعه ایران به شرایطی رسیده است که سوپاپ های اطمینان در بالا دیگر توان و یارای مقابله با فشار دیگ در حال انفجار در پائین را ندارد. اگرچه امروز کارگران از ایجاد شوراها و سازمانهای کارگری که منافع و اراده مستقل شان را نمایندگی کنند، بی بهره اند، اما همواره سطحی از تشکل و هماهنگی میان کارگران وجود دارد و اعتراضات اخیر، بویژه در چهارچوب رشته های معین و بخشهای مختلف طبقه کارگر مانند بازنشستگان و پرستاران و کارگران برق و معلمان، از یک هم جتهتی طبقاتی و درک منفعت مشترکی سخن میگوید. امری که میتواند شالوده اساسی برای ایجاد سازمانها و تشکلهای مستقل توده ای کارگران باشد.

روشن است از جانب جمهوری اسلامی و جناح هایش چشم اندازی برای رفع مشکلات فوری کارگران وجود ندارد، سهل است، این دولت کارفرمایانی است که خون کارگران و خانواده هایشان را در شیشه کرده اند. تنها افق برون رفت از این اوضاع عبور از جمهوری اسلامی بعنوان بانی و مسبب کلیه مشقاتی است که امروز جامعه ایران با آن روبرو است. اما نیروهای بسیاری هستند که خواهان رفتن جمهوری اسلامی اند اما اساس و شالوده تبعیض و نابرابری و فقر را میخواهند دست نخورده نگاهدارند. طبقه کارگر ایران تنها میتواند با پرچم کمونیسسم و راه حل کارگری بحران یکبار برای همیشه از این وضعیت خلاص شود. برای اینکار باید سنگرهای کارگری را محکم کرد، افق کارگری آزادی جامعه را گسترش داد، امید به راه حل کارگری را تقویت و به بستر اصلی اعتراض علیه جمهوری اسلامی بدل کرد. باید متحزب شد و از ابزار انقلابی برای عمل انقلابی بهره جست. آنچه در اینروزها در تهران و اراک شاهدیم، جلوه هائی از سیل اعتراض کارگر و زحمتکش علیه قشری نازک و طفیلی و استثمارگر و اشراف بورژوا است که آینده را میتواند و باید شکل دهد.

سردبیر.

۳۱ اوت ۲۰۱۷

اعتراض کارگران هپکو و آذر آب

آینده را تصویر میکند ...

اراک اجتماع کردند. کارگران هپکو در چند ماه اخیر، فضای شهر اراک را با نام خود عجین کرده اند. این کارگران بارها دست به اجتماع و راهپیمایی در شهر و مقابل مراکز مهم دولتی زدند و پیگیر خواستها و طلب حقوق های پرداخت نشده شان شدند. بیش از شش ماه است که دستمزدهای کارگران هپکو یا پرداخت نمیشود و یا دستمزدها را با تاخیر بسیار پرداخت میکنند. مضافا اینکه بیمه های کسر شده از حقوق کارگران توسط کارفرما به شرکت بیمه پرداخت نشده و کارگران با مشکلات جدی درمانی مواجه هستند. کارگران به دزدی آشکار کارفرما و حمایت و سکوت نهادهای دولتی ذیربط اعتراض دارند و از قطعه قطعه گرفتن دستمزدها آنهم به قیمت اعتراض و اعتصاب خسته شدند. کارگران میگویند دستمزدهای معوقه، مزایا و اضافه کاری، بیمه ها باید فوراً پرداخت شوند و به وضعیت بحرانی کارخانه رسیدگی و به موقعیت ناامن شغلی کارگران خاتمه داده شود.

همزمانی این اعتراضات ریشه در درد مشترک کارگران این شهر دارد. امری که به یک مسئله عمومی کارگران در چهارگوشه ایران و صدها مرکز کارگری تبدیل شده است. درد مشترک است و طرف حساب نیز مشترک. این کارفرمایان و دولت اسلامی شان است که با اتکا به قانون و چماق و نیروی سرکوب، دهها میلیون انسان کارکن را به گوشه رینگ فقر و فلاکت سوق داده اند.

اعتراض و راهپیمایی کارگران هپکو و کارگران آذر آب تنها موارد اعتراضات کارگری در هفته گذشته نیستند. بدنبال اجتماع گسترده و باشکوه هزاران نفره بازنشستگان در مقابل ساختمان مجلس اسلامی، روز پنجم شهریور صدها نفر از کارگران و اپراتورهای برق فشار قوی از جانب همکاران خود از شهرهای مختلف مجدداً به تهران آمدند تا مسئله تغییر قراردادهای استخدامی شان را دنبال کنند. این کارگران خواهان لغو قراردادهای پیمانی و موقت و بستن قرارداد مستقیم با وزارت نیرو و پرداخت حقوق های معوقه شان هستند. در همین روز صدها کارگر بازنشسته فولاد از شهرهای مختلف از جمله مشهد و اصفهان و سمنان و کرمان و طبس و شاهرود و سنقرود به تهران آمدند و مقابل دفتر حسن روحانی اجتماع کردند. روز بعد یعنی ششم شهریور، نمایندگان بازنشستگان در مقابل ساختمان مجلس و سازمان برنامه و بودجه اجتماع کردند و بر ادامه اعتراض تا رسیدگی به خواستههایشان تاکید کردند. بجز حقوق معوقه ماه پیش، یعنی مرداد ماه که پرداخت نشده است، مزایائی در باره سختی کار و سنوات از سالها قبل طلب دارند که توسط کارفرمایان بالا کشیده شده است. همینطور بازنشستگان به دست اندازی به صندوق بیمه بازنشستگان اعتراض دارند و خواهان تامین هزینه های درمانی هستند که به مشکل بسیار حادی بدل شده است. بازنشستگان در ایران در رشته های مختلف، بعد از یک عمر کار و ساختن جامعه، امروز با مسئله نان، دارو، سلامتی،

مرگ بر جمهوری اسلامی!



علنی گشایش ایجاد می کند. اولاً علاوه بر اعضا و کادرهای حزب، طیف وسیعی از فعالین مبارز و بخصوص از فعالین چپ که عضو این حزب نیستند در کنگره شرکت میکنند. از نزدیک در جریان طرح مباحث سیاسی و مبارزاتی و سازمانی ما قرار میگیرند و به سهم خود در نوبتهای معین اظهارنظر و دخالت میکنند. کنگره علنی این فرصت را ایجاد

می کند، که صف وسیع تر از کمونیست ها و آزادیخواهان در تعیین مسیر سیاسی حزب ما دخالت کنند. حتی مجالی برای مخالفین ماست که به شکل سیاسی و سالم تفاوت دیدگاه خود را مطرح کنند. ما بسیاری از نیروها و فعالین سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی از طیفهای مختلف، از راست و چپ به کنگره دعوت کرده ایم و عده ای هم در کنگره های قبلی شرکت کرده اند. کنگره علنی یک حزب سیاسی را قابل دسترس تر و قابل لمس و مشاهده می کند. تصویر غلط از احزاب چپ که گویا در میان خود حرفهای عجیب و غریب می زنند و بعد سیاستی را اعلام می کنند، از میان می برد. باز بودن و شفافیت سیاسی حزب حکمتیست برای فعالین سیاسی مخالف و موافق ما عیان است. کنگره علنی تعهدی ایجاد میکند، مادامیکه ما در پروسه ای علنی خطاب به جامعه ظاهر می شویم، باید مسئولانه تر عمل کرد و در تعیین سیاستها و خط مشی سیاسی و پراتیکی دقیق و مسئول بود. این نشان دهنده تعهد حزب ماست. مسائلی که در کنگره وعده اش را می دهیم، کارگر و مردم آزادیخواه و زن و جوان و انسانهای خواستار دگرگونی و تغییر میشوند و ما به آسانی نمی توانیم از زیر تعهدهای خود شانه خالی کنیم. مجموعاً تجربه ما بیانگر این است که برگزاری کنگره های علنی هم حاکی از باز بودن و شفافیت سیاسی و هم نشان دهنده تعهد ما نسبت به اهداف و سیاستی است که اعلام می کنیم. همچنین بخش بیشتری از مخاطبین ما را در تعیین و تصویب سیاستهای ما دخیل می کند. رابطه حزب ما را با جامعه و جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی رادیکال محکم تر می کند. برگزاری کنگره علنی شاید بنا به سنت قدیمی که در چپ موجود بوده محدودیتهایی را برای مسائل و مشغله های آن نوع چپ ایجاد کند. قبلاً در کنگره سازمانهای چپ سنتی بخش عمده از وقت کنگره به مسائل فرعی درون تشکیلاتی و درون سازمانی اختصاص می یافت. اما در کنگره علنی این مسائل جایگاه جدی ندارد. در عین حال این مسئله را نادیده نمی گیریم، هر حزب و سازمان سیاسی مسائل درون حزبی و مباحث خاص اعضا و تشکیلات خود را دارد که به نظر من اگر در کنگره علنی وقتی به آن اختصاص می یابد باید وقت معین و محدود باشد و بخش عمده وقت کنگره قاعدتاً به مسائل ماکروی سیاست جامعه پرداخته شود. این شیوه به محدود شدن دلمشغولیهای درون تشکیلاتی کمک می کند. تازه طرح مسائل خاص درون حزبی اگر بعد سیاسی و مبارزاتی دارد، از نظر ما طرح علنی آنها هم در کنگره ایرادی ندارد. در عین حال در چهارچوب حزب حکمتیست انواع مکانیزمهای دیگر بعد از کنگره مانند پلنوم کمیته مرکزی، خیلی وقتها با حضور کادرهای حزب، جلسات دفتر سیاسی، سمینارهای کادرها و اعضا، کنفرانسهای تشکیلات خارج کشور و تشکیلات کردستان وجود دارد که علنی برگزار نمی شوند و مباحث سازمانی در این مکانیزمها طرح و پاسخ میگیرند.

در مورد مباحث و نحوه برگزاری کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)

گفتگو با رحمان حسین زاده

تلویزیون پرتو: حزب حکمتیست طی اعلامیه ای اعلام کرده که کنگره هشتم حزب در چهارم و پنجم نوامبر امسال به شکل علنی در سوئد برگزار میشود. چهارچوب ناظر بر برگزاری کنگره چگونه است؟

رحمان حسین زاده: طبق موازین مصوب حزب، کنگره های حزب حکمتیست هر دو سال یکبار برگزار میشود. کنگره ما بالاترین مرجع تصمیم گیری و تعیین خط مشی سیاسی و انتخاب رهبری است. کنگره محل تجمع نمایندگان منتخب تشکیلاتهای حزب است. در تمام کنگره ها و از جمله این کنگره نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب از جمله تشکیلات داخل و خارج کشور، تشکیلات مرکزی و کمیته مرکزی، تشکیلات کردستان، کمیته تبلیغ، نمایندگان انتخاب و در کنگره حضور پیدا می کنند. کنگره با حضور اکثریت نمایندگان تشکیلاتهای حزب رسمیت پیدا می کند. این چهارچوب کلی موازین ما برای کنگره است. کنگره قبلی ما در هفته سوم اکتبر ۲۰۱۵ برگزار شد و اکنون دو سال بعد از آن، کنگره هشتم در تاریخ چهارم و پنجم نوامبر در سوئد برگزار میشود.

تلویزیون پرتو: کنگره احزاب اپوزیسیون و بخصوص احزاب چپ بصورت مخفی برگزار میشود. اما حزب حکمتیست کنگره خود را علنی برگزار می کند. دلیل آن چیست؟

رحمان حسین زاده: این اولین بار نیست که حزب کمونیست کارگری، حکمتیست کنگره خود را علنی برگزار میکند. شش کنگره از هشت کنگره حزب حکمتیست به شکل علنی برگزار شده است. فقط کنگره های دوم و سوم بنا به دلایلی علنی برگزار نشده است. سنت برگزاری کنگره علنی از کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران در اکتبر سال ۲۰۰۰ به پیشنهاد منصور حکمت که آن وقت دبیر کمیته مرکزی آن حزب بود، آغاز شد. اساس بحث ما اینست که احزاب سیاسی و از جمله حزب ما برای تعیین خط مشی سیاسی و تاکتیک مبارزاتی چیز مخفی در برابر طبقه کارگر و مردم زحمتکش و جامعه ای که به آن خود را به ایجاد تغییر و سازماندهی انقلاب کارگری متعهد کرده ایم، نداریم. اگر قرار است سیاستها و تاکتیک و پراتیک ما به میان مردم و کارگران برده شود، به نظر ما در پروسه سیاسی اتخاذ این سیاستها طبقه کارگر، صف آزادیخواه، زنان، جوانان و بخش معترض جامعه قدم به قدم در جریان باشند. تا ببیند حزب حکمتیست که ادعای رهبری طبقه کارگر و سازماندهی انقلاب کارگری و آزادیخواهانه را در ایران دارد، چگونه عمل می کند.

تلویزیون پرتو: آیا برگزاری علنی محدودیتی برای برگزاری کنگره ایجاد نمی کند؟

رحمان حسین زاده: تجربه تاکنونی ما نشان میدهد، برگزاری کنگره

در مورد مباحث و نحوه برگزاری کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)...

تلویزیون پرتو: کنگره هشتم را بعنوان کنگره اکتبر نامگذاری کرده اید. دلیل آن چیست؟

رحمان حسین زاده: مقطع برگزاری کنگره هشتم حزب به صدمین سالگرد انقلاب کارگری اکتبر خیلی نزدیک است. صد سال قبل در اکتبر سال ۱۹۱۷ انقلاب کارگری و سوسیالیستی به رهبری لنین و حزب بلشویک در روسیه به پیروزی رسید. این یک دگرگونی اساسی در آن مقطع زمانی و برای چندین دهه در صف بندی جدال سیاسی طبقاتی در سطح روسیه و در سطح جهانی ایجاد کرد. تحقق انقلاب کارگری در روسیه بزرگترین دستاورد طبقه کارگر و کمونیست ها تا زمان حاضر است. ما در مقطع زمانی ارج گذاری صدمین سالگرد درسها و دستاوردها و تجارب انقلاب اکتبر، کنگره هشتم حزب را برگزار میکنیم. این فرصت و غنیمتی برای حزب حکمتیست است که کنگره خود را در انطباق با مقطع زمانی تحقق انقلاب کارگری اکتبر برگزار کند. به همین دلیل ما کنگره هشتم حزب را در چهارم و پنجم نوامبر روزهای نزدیک به این واقعه بزرگ برگزار میکنیم. دلیل نامگذاری کنگره هشتم به نام کنگره اکتبر در انطباق با تاریخ انقلاب کارگری اکتبر و در یادبود صدمین سالگرد انقلاب کارگری اکتبر است. در کنگره وقت معینی در یادآوری دستاوردهای انقلاب اکتبر سخنرانی خواهد شد. بیانیه صادر میکنیم. گوشه هایی از صحنه های شوق انگیز قیام کارگری اکتبر و سرنگونی نظام حاکم سرمایه و دولت موقت نشان داده خواهد. امیدوارم بتوانیم سخنرانی های پرشور لنین را در دسترس حضار کنگره و از طریق شبکه های اجتماعی در دسترس حضار بیرون کنگره قرار دهیم. کنگره هشتم حزب حکمتیست حق شناسی نسبت به لنین و انقلاب سوسیالیستی اکتبر را به سهم خود به جای خواهد آورد. در عین حال فرصتی برای کمونیستها و آزادیخواهانی است که آنجا گرد آمده اند، تا در صدمین سالگرد انقلاب اکتبر تعهد خود را به تکرار یک انقلاب کارگری دیگر از جنس اکتبر در جامعه ایران اعلام کنند.

تلویزیون پرتو: دفتر سیاسی حزب حکمتیست دستورها و مباحثی را برای برگزاری کنگره تدارک دیده و آنها را پیشنهاد کرده است. چهارچوب این دستورها و مباحث چیست؟

رحمان حسین زاده: نشست اخیر دفتر سیاسی در سطوح مختلف، تدارک سیاسی و اجرایی، دعوت مهمانها و همه جنبه هایی که شایسته یک کنگره پرشور و موفق کمونیست های این دوره باشد را بررسی کرد. بخش مهم کنگره مباحث و اسناد سیاسی آن است. ما در دو روز کنگره، با انواع دستور کار روبرو هستیم. در نتیجه در میان مجموعه دستورها و مباحث موجود که کنگره حزب حکمتیست فرصت دارد، آنها را در کنگره خود بررسی و در مورد آنها اتخاذ سیاست کند، مجبوریم انتخاب کنیم. از این بیعد به تدریج مباحث طرح می شوند و در نشریه ویژه، بنام نشریه کنگره بصورت علنی در دسترس همه علاقمندان در داخل و خارج کشور قرار می گیرد و فرصت کافی برای اظهارنظر حول آنها ایجاد خواهیم کرد. از تم های سیاسی اصلی که دفتر سیاسی پیشنهاد

کرده، یکی بررسی جهان معاصر، تبیین و تحلیل آن و استنتاج سیاست کمونیستی و انترناسیونالیستی مدنظر ما است. اوضاع سیاسی ایران یک محور تعیین کننده مباحث کنگره است. لازمست آخرین تحولات ایران، صف بندی ها و جدال طبقات و جدال جنبش ها، نقش جنبش کمونیستی و کارگری و نقش حزب حکمتیست در ایجاد و سازماندهی جنبش فعال علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران را تعیین کنیم. بررسی جنبش کارگری و موقعیت جنبش کارگری در جدال سیاسی و طبقاتی، خط مشی کمونیستها و به طور مشخص حزب حکمتیست در جنبش کارگری یک محور دیگر تصمیم سیاسی کنگره خواهد بود. جنبش آزادی زن و جایگاه تعیین کننده علیه جمهوری اسلامی، علیه کلیه قوانین و موازین ارتجاعی و تبعیض آمیز اسلامی، علیه عقب ماندگی و مردسالاری و نقش تعیین کننده در تحول انقلابی آینده جامعه ایران بخش دیگری از کار کنگره خواهد بود. پدیده های دردناک اجتماعی دیگر مثل اعتیاد و مسائل زیست محیطی گریبانگیر مردم، مورد توجه ما است، امیدواریم فرصت کنیم و در این زمینه ها اسناد روشنی به تصویب کنگره برسد.

تلویزیون پرتو: توقع شما از کنگره چیست؟

رحمان حسین زاده: هر کنگره باید بتواند به نیازهای سیاسی و مبارزاتی مقطع زمانی خود جواب دهد. توقع من از کنگره این است که اولاً بر گره گاههای اساسی مبارزه طبقاتی چه در سطح جهانی و به ویژه در سطح ایران به عنوان حوزه اصلی کار ما تمرکز کند و به صف کمونیستی و کارگری نه تنها در صفوف حزب حکمتیست بلکه در سطح جنبش کارگری و کمونیستی ایران و منطقه و در سطح جهانی روشنایی بناباند. کمونیست ها در این دوره به پلاتفرم ها و سیاستهای روشن نیاز دارند. لازمست با روشن بینی پلاتفرم ماکسیمالیست کمونیستی و انسانی را در دنیای تاریک سرمایه داری معاصر نمایندگی کنند. بر این اساس بتوانند گرایش کمونیستی طبقه کارگر و جنبش کارگری را تقویت کنند. این چشم انداز در مقابل کنگره ما قرار دارد. پاسخگویی اصولی و درست به این مسائل، اتکای به نیروی اجتماعی جنبشمان، جنبش طبقه کارگر، میتواند ما را در سازماندهی یک انقلاب رهایی بخش کارگری به شدت کمک کند. توقع من این است که کنگره با چنین کاراثری بتواند به این نیاز سیاسی با روشن بینی جواب دهد. در عین حال کنگره بتواند به انسجام و هم خطی و هم جهتی صفوف کمونیستها در جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی و رادیکال ایران کمک کند. کنگره بتواند توجه رهبران و فعالین کارگری و فعالین و رهبران جنبش های اجتماعی و رادیکال را نسبت به کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست جلب کند. بتواند نیروی قویتری را حول حزب و این جنبش گرد هم آورد و در آخر انسجام و اتحاد و یکپارچگی و همبستگی درونی حزب حکمتیست را بالا ببرد و در یک کلام آمادگی کمونیستی و جنبش کمونیسم کارگری ایران و آمادگی حزب حکمتیست را برای رویارویی با تلاطمات و تحولات جدی که در آینده سیاسی ایران قابل پیش بینی است، بالا ببرد. کنگره بتواند حزب حکمتیست را در جهتی قرار دهد، بیش از پیش بعنوان نیروی فعاله دخالتر در جدال طبقاتی سیاسی ایران نقش بازی کند و به سهم خود به نیروهای سازمانده و رهبر تبدیل شود که قدم به قدم متکی به جنبش کارگری و کمونیستی و آزادیخواهانه سرمایه را عقب براند. حاکمیت بورژوازی را در ایران ساقط کند و جمهوری اسلامی را سرنگون کند. به جای آن آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی و انقلاب کارگری و

فراخوان تظاهرات در دفاع از مبارزات کارگری در ایران

سرکوب و فشار روی فعالین جنبش کارگری مدام در حال افزایش است. دستگیری کارگران و فعالین اجتماعی اوج جدیدی به خود گرفته است. بخشی از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در زندان رجائی شهر در اعتصاب غذا به سر می‌برند. به دلیل اتهامات واهی دادستانی رژیم و بازگرداندن رضا شهابی به زندان، این فعال کارگری از ۱۸ مرداد در اعتصاب غذا به سر می‌برد. شاهپور احسانی‌راد به‌خاطر فعالیت‌های کارگری حکم قرون وسطایی شلاق دریافت کرده است. اسماعیل عبدی و محسن عمرانی از فعالین معلمان در زندان به سر می‌برند. ده‌ها فعال کارگری از جمله؛ محمود صالحی، داوود رضوی، ابراهیم مددی دارای پرونده امنیتی و قضایی هستند، هیچ فعال کارگری و زندانی سیاسی آزاد شده از امنیت سیاسی و اجتماعی برخوردار نیست، حتی خانواده‌های آنان مدام مورد تهدید و ارباب پلیس امنیتی قرار دارند. صدها زندانی سیاسی از جمله؛ آتنا دائمی، آرش صادقی، گلرخ ابراهیمی، نرگس محمدی و زینب جلالیان ... به «جرم» فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در زندان به سر می‌برند.

ما بر این باوریم که برای آزادی بی‌قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و لغو هر گونه شکنجه و اعدام و تأمین آزادی‌های بی‌قید و شرط بیان، قلم و اجتماعات از جمله حق ایجاد تشکل باید مبارزه کرد.

ما خواهان تحقق فوری مطالبات همه زندانیانی که از ۸ مرداد امسال در اعتصاب غذا به سر می‌برند و آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم. بدین منظور از همه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب می‌خواهیم تا فریاد رسای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند و همصدا با ما در روز شنبه ۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در میدان «سرگل توریت- مرکز استکھلم»، اعتراض خود را علیه جمهوری اسلامی برای تحقق مطالبات کارگران و آزادی‌خواهان فریاد کنند.

سرنگون باد نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد جنبش کارگری

زنده باد سوسیالیسم

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین دفاع از مبارزات کارگری در ایران

۲۵/۰۸/۲۰۱۷

زمان: دوم سپتامبر ۲۰۱۷، ساعت ۱۶

مکان: سرگل توریت (قسمت بالا، مقابل بوک هندل)

برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن‌های زیر تماس بگیرید:

بهرام رحمانی: ۰۷۰۷۴۷۴۳۳۶ محمود محمدزاده: ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

بابک عماد: ۰۷۶۵۹۱۱۱۱۲ شورش مولانی: ۰۷۰۴۰۴۳۹۵۴

در مورد مباحث و نحوه برگزاری کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)...

سوسیالیستی را ممکن سازد. به هر درجه ای آمادگی ما و حزب ما در این زمینه ها ارتقا یابد، در آن صورت کنگره پاسخگوی وظایف و رسالت‌های خود بوده است.

تلویزیون پرتو: فراخوان شما به بینندگان و شنوندگان و مخاطبین درباره کنگره چیست؟

رحمان حسین زاده: خطاب ما به جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های اعتراضی رادیکال، فراخوان ما به فعالین کارگری و کمونیست، به فعالین رادیکال و سوسیالیست در هر بخش جامعه، که وضع موجود را تحمل نمی‌کنند و علیه نظام حاکم و جمهوری اسلامی اند، اینست که در وهله اول حزب حکمتیست و مباحث حزب برای کنگره هشتم را دنبال کنند. مباحث، جهت گیری و خط مشی ما، پیشنهادات و ابتکارات ما در کنگره صرفاً سازمانی و برای حزبمان ارائه نمی‌شوند. تلاش ما اینست به مبنای کار فعالین کارگری و کمونیست و صف آزادیخواه و برابری طلب در دوره آتی تبدیل شود. پس امیدوارم با صعه صدر و علاقه مندی مباحث ما و خط مشی و جهت گیری ما را دنبال کنند و در ثانی کنگره ما در دسترس است، در مباحث آن دخالت کنند. بویژه انتظارم از فعالین کمونیست و معترض و آزادیخواه در داخل کشور که چنین کنند. تردیدی ندارم فعالین چپ و کمونیست و آزادیخواه زیادی دوست داشته و دارند در کنگره ما حضور یابند که متأسفانه دیوار استبداد جمهوری اسلامی مانع آن است. به نحو دیگر و با ابتکار میشود این محدودیت را تخفیف داد. ما از مدتی قبل اسناد و مباحث را در اختیار عموم قرار می‌دهیم هر کس و هر فعال کمونیست و آزادیخواه هر پیشنهاد و نظر و نقد و یا بحث و مشاوره ای با ما دارد از طریق کانالهای مطمئنی که اعلام می‌کنیم، میتواند پیشنهادات خود را طرح کند. کنگره ما را حمایت کنند. کنگره را از طریق اینترنت دنبال کنند. در سطح خارج کشور به دلیل علنی بودن کنگره فراخوان ما به هر فعال مبارز، کارگر کمونیست و آزادیخواه و به هر انسان علاقمند به سرنوشت کمونیست‌ها از جمله در ایران این است که در کنگره علنی حزب حکمتیست شرکت کنند. قطعاً لازم است از یکی دو هفته آینده که ما به طور علنی چهارچوب و موازین ثبت نام برای شرکت در کنگره را اعلام می‌کنیم علاقمندان از این طریق در ارتباط با ارگانها و کمیته‌های دست اندرکار ثبت نام کنند و آمادگی خود را برای شرکت در کنگره اعلام کنند.

امیدواریم که برگزاری کنگره علنی حزب ما با بیشترین استقبال در میان نیروهای اپوزیسیون و در میان نیروهای چپ و آزادیخواه و در میان فعالین کمونیست و آزادیخواه که در خارج کشور هستند و حضورشان امکانپذیر است و مشکل امنیتی برای آنها ندارد روبرو شود. کنگره ما به حمایت مالی و حمایت سیاسی نیازمند است و از همه انسانهای علاقمند و آزادیخواه می‌خواهیم که کنگره ما را از نظر سیاسی و مالی حمایت کنند.



اصلی، مبارزه طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار است. هنر روحانی، مولوی عبدالحمید، "ماموستا" امینی این است که مبارزه طبقاتی را به حاشیه رانده و هویت های کاذب قومی و مذهبی را برجسته کنند. اینها سر و ته یک کرباسند. نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان

امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند.

28

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که همه این مصائب و محرومیت ها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی، متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی نه تنها در ایران بلکه در کل جهان، نظام اقتصادی سرمایه داری است. استبداد سیاسی و سرکوب و اختناق که بر جامعه ایران حاکم است ماندگاری خود را از نیازها و ملزومات نظام سرمایه داری حاکم بر جهان امروز ما میگیرد. نه میدیای نوکر و نه نمایندگان خودگمارده اقوام و مذاهب گوناگون علاقه ای به برملا شدن این واقعیت دارند. رفو کردن رژیم اسلامی و هویت تراشی مذهبی و قومی به جای هویت طبقاتی آن میدانی است که سخنان روحانی آنها را بوجد می آورد. اندر فواید سخنان پرزیدنت روحانی در مورد مشارکت فرقه های مذهبی و قومی سخن میگویند و پیکر بی جان اصلاح پذیر بودن جمهوری اسلامی را با این سخنان تکانی خواهند داد. منفعت طبقاتی آنها ایجاب میکند از هر روزنه ای برای ماندگاری جمهوری اسلامی استفاده کنند. اما تحقق رفاه و امنیت و خوشبختی مردم ایران در گرو عبور از هویت قومی و مذهبی، مستلزم سرنوشتی جمهوری اسلامی و سازماندهی انقلاب کارگری است.

روحانی و مولوی عبدالحمید و "ماموستا"

امینی سر و ته یک کرباسند!

جمال کمانگر

کلی گویی روحانی در مورد بازی دادن فرقه های مذهبی و قومی در مدیریتهای میانی دولتی قرار است دلجویی از بخشی از "رای باختگان" در ایران باشد. کم نبودند از رهبران فرقه های قومی و مذهبی در ایران که برای سهم بری از قدرت و پول حول روحانی و رئیسی در جریان مضحکه انتخابات ریاست جمهوری حضور به هم رساندند. دنباله روان خود را به پای صندوقهای رای کشاندند و برای جنایتکاران جمهوری اسلامی مشروعیت خریده اند. چه فرقی میکند که مولوی عبدالحمید خشک مغز سنی مذهب استنادار و حاکم شرع بلوچستان باشد یا فلان کارگزار و آخوند شیعه مذهب. چه فرقی دارد "ماموستا" حسن امینی نماینده "ولی فقیه" و حاکم شرع کردستان باشد یا آیت الله محمد حسینی شاهرودی؟

وقتی جامعه ای را به استیصال کشانده اند و در مقابل دو گزینه "بد و بدتر" هر چهار سال یکبار قرار داده اند نتیجه اش بهتر از این نخواهد بود. فرقه های مذهبی گوناگون در نزدیک چهار دهه عمر ننگین جمهوری اسلامی جزو پیکره اصلی رژیم اسلامی بوده اند. بنابراین حضور یا عدم حضور آنها در مدیریتهای دولتی هیچ گلی به سینه مردم آن مناطق نزده و نخواهد زد.

هویت تراشی قومی و مذهبی توسط عالی ترین مقامات جمهوری اسلامی منحرف کردن اذهان عمومی از مطالبات و هم سرنوشتی آحاد مردم کارگر و زحمتکش در ایران است. اگر جمهوری اسلامی وصله ناجوری به تن جامعه ایران است، که هست، اگر جمهوری اسلامی با سرکوب و کشتار دهها هزار نفر از مخالفین سیاسی اش تاکنون به حیات ننگین اش ادامه داده است، اگر فرقه گرایی در داخل و بیرون مرزها به رمز ماندگاری اش تبدیل شده است، مردم جغرافیای ایران از هویت تراشی کاذب قومی و مذهبی هیچ سودی نبرده و نخواهند برد.

سخنان روحانی در روز چهارشنبه هشتم شهریور ماه ۱۳۹۶ ادامه عوامفریبی و خط کشیهای قومی و مذهبی در جامعه ایران است. دم زدن از "حقوق شهروندی" در رژیم اسلامی کلاه برداری و شارلاتانیسم محض است. در اسلام، چه جزو فرقه شیعه باشید چه جزو فرقه سنی، انسان از هیچ حق و حقوقی برخوردار نیست! مقدرات جامعه را نه عقل و منطق و قوانین مدنی و پیشرو بلکه شرع و حدیث و قرآن تعیین میکنند. قوانینی که مربوط به چهارده قرن پیش است در جامعه حکمفرماست. فرقه گرایی مذهبی و قومی نباید سرنوشت حتمی مناطق محروم و دور نگه داشته شده از ثروت و امکانات جامعه باشد. برای هم سرنوشتی مبارزاتی با سایر شهروندان جامعه ایران باید تمام قید و بندهای مذهبی و قومی را دور بیندازند.

این مناطق مثل هر جایی دیگر جهان ما، جامعه ای طبقاتی است. جدال

یا کار یا بیمه بیکاری!

بیمه بیکاری مکفی برای

کلیه افراد آماده به کار!



تحت تسلط مائوئیسم بود، خواست خودمختاری را بدست گرفت. با رشد جنبش مارکسیسم انقلابی و پیوستن کادرهای وسیعی از جنبش چپ و کمونیستی به آن، بخش قابل ملاحظه رهبری و کادرهای کومه له نیز به جنبش مارکسیسم انقلابی که توسط سازمان اتحاد مبارزان کمونیست نمایندگی می شد، پیوستند. این واقعه

معدلات سیاسی را بویژه در جنبش چپ، نه تنها در کردستان، بلکه در کل ایران متحول کرد. این رویداد یک پیروزی مهم برای مارکسیسم انقلابی و جنبش کمونیستی و یک شکست برای ناسیونالیسم کرد و چپ سنتی غیر کارگری محسوب می شود. تشکیل حزب کمونیست ایران نتیجه قابل انتظار این پیوستن بود. این واقعه در دوران سیاه و خونین دهه ۶۰ انرژی و امیدی جدید به جنبش کمونیستی زیر ضرب نیروهای سرکوب رژیم اسلامی بخشید. زندانیان کمونیست با شنیدن خبر تشکیل حزب روحیه ای جدید یافتند. رژیم اسلامی که غافلگیر شده بود، بلافاصله یورش به منطقه برگزاری کنگره موسس را سازمان داد. رژیم اسلامی و ناسیونالیسم کرد از تشکیل حزب کمونیست ایران پس از نیم قرن انتظار و امید کمونیست ها در ایران، زخم خورده و خشمگین شدند.

منصور حکمت نقش کلیدی در تشکیل حزب کمونیست ایران و تدوین برنامه آن داشت؛ برای کسانی که از نزدیک در جریان تدارکات تشکیل حزب کمونیست قرار داشتند و فعالیت شبانه روزی منصور حکمت، مذاکرات، مجادلات و مباحث مارا تن او با رهبری کومه له را ناظر بودند، کاملاً روشن است که بدون منصور حکمت حزب کمونیست هیچگاه تشکیل نمی شد. از نظر بخشی از رهبری وقت کومه له از جمله عبدالله مهدی تشکیل حزب یک هدف انقلابی برای سازماندهی انقلاب کارگری نبود؛ بیشتر ابزاری برای روحیه دادن به نیروی پیشمرگ و زنده نگاه داشتن مبارزه پیشمرگایی در کردستان و قدرتیابی "کومه له" بود. منصور حکمت توهمی نسبت به این گرایش و وجود گرایش ناسیونالیستی درون کومه له نداشت. بمنظور پیشبرد مبارزه طبقاتی و قدرتیابی افق کارگری درون جنبش انقلابی او تصمیم گرفت که با توسل به سازش هایی موانع تشکیل حزب را که در دنیای واقعی و در جامعه یک رویداد مهم و یک پیروزی مهم برای طبقه کارگر و جنبش کمونیستی محسوب می شد، از پیش پا بردارد. از جمله سازش ها توافق با حفظ نام کومه له بعنوان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و تداوم نقش دبیر کل در حزب کمونیست بود، امری که مشخصاً برای عبدالله مهدی یک ملاحظه پایه ای محسوب می شد. هیچیک از این سازشها پرنسیپ های پایه ای کمونیستی را مخدوش نمی کرد، اما امکان فتح یک سنگر مهم طبقاتی را تسهیل می نمود. منصور حکمت با درایت بسیار این موانع و ملاحظات را بدرستی تشخیص و به آنها پاسخ درخور داد.

منصور حکمت که در زمان تشکیل حزب کمونیست درون تشکیلات کومه له و جنبش کمونیستی به یک چهره قابل اعتماد و احترام بدل شده بود و دارای اتوریته معنوی و تئوریک بسیار بود با تشکیل حزب نه تنها بعنوان تئوریسین، بلکه مهره اصلی رهبری سیاسی- استراتژیک حزب شناخته می شد. مجادلات با رهبری پیشین کومه له و اکنون حزب با تشکیل حزب به پایان نرسید. چند روز پس از

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به هذیان

گویی های ناسیونالیسم کرد!

آذر ماجدی

ناسیونالیست های کرد به هر مناسبت، وقت و بیوقت، هر وقت که دور هم می نشینند و خاطرات دوران پیشمرگایی را پس و پیش می کنند، هر وقت بوی بند و بست و دلار به مشام شان می خورد سنگی بسوی کمونیسم کارگری و منصور حکمت پرتاب می کنند. "سنگ مفت، گنجشک مفت!" کسی که برای اتهام زنی محاکمه شان نمی کند؛ پس چه باک! وجدانی هم که ندارند. این دروغها و هذیان گویی ها در شرایط دنیای کنونی خریدار هم دارد.

آنچنان از عروج کمونیسم کارگری در کردستان زخم خورده اند که قادر به کنترل کین و نفرت شان نیستند؛ راه میروند و زیر لب به منصور حکمت فحاشی می کنند؛ هیستریک می شوند و به زمین و زمان بد و بیراه می گویند. دشمنی ناسیونالیسم با کمونیسم نه پدیده ای جدید است و نه محدود به ناسیونالیسم کرد؛ اما چرا ناسیونالیسم کرد این چنین علیه منصور حکمت هیستریک است؟ حدود ربع قرن از جدایی منصور حکمت از حزب کمونیست ایران می گذرد و هنوز ناسیونالیست های کرد از هر گروه و دار و دسته ای هر چند ماه یکبار فحاشی و لجن پراکنی علیه منصور حکمت را از سر می گیرند.

در قرن بیست، گرایش چپ در جنبش ناسیونالیستی در کشورهای سابق مستعمره در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای قوی بود؛ برخی حتی تحت نام مارکسیسم و کمونیسم فعالیت می کردند. تاریخ قدرتیابی ناسیونالیسم چپ و راست در کشورهای سابق مستعمره کارنامه ای است از جنایات، سرکوب، استثمار خشن طبقه کارگر، فقر عظیم و فساد؛ از الجزایر، سوریه و مصر دوره ناصر گرفته تا ویتنام، آنگولا، زیمبابوه و آفریقای جنوبی. ناسیونالیسم بعنوان یک ایدئولوژی "رهایی بخش" جذبه خود را از دست داد.

انقلاب ۵۷ یک رویداد تاریخی بسیار مهم و متفاوت با جنبش های انقلابی قرن بیست بود. یک تفاوت شاخص، شکل گیری و بمیدان آمدن یک جنبش کمونیستی وسیع، احیای مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری پس از نیم قرن حاکمیت کمونیسم غیر کارگری و بورژوازی بدنبال شکست انقلاب کارگری در روسیه بود. عروج یک متفکر و تئوریسین مارکسیست که مارکسیسم انقلابی را از زیر آوار تعابیر مختلف بورژوازی، خرده بورژوازی و ناسیونالیستی بیرون کشید، کمونیسم غیر کارگری را نقد کرد و تبیینی مارکسیستی از شرایط مبارزه طبقاتی در ایران، شکست انقلاب ۵۷ و شرایط بین المللی و همچنین ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری بدست داد، یک رویداد مهم و منحصر بفرد انقلاب ۵۷ است.

همزمان با انقلاب ۵۷ جنبش ناسیونالیستی در کردستان بترک افتاد و بدنبال عقب نشینی جنبش انقلابی در سایر نقاط ایران در قالب خواست خودمختاری بجلوی صحنه آمد. جنبش کمونیستی در کردستان نیز، که

هستیم. اما در آستانه تشکیل کنگره ۳ دیگر مشخص است که این هدف به نتیجه مورد نظر نرسیده است. پلنوم ۱۳ یک پلنوم پر از بحث و مجادله بود. در گزارش به کنگره سوم او بطور ضمنی نارضایتی خود را از شرایط حزب و نگرش و بینش بخش وسیعی از رهبری حزب اعلام می کند. در این گزارش منصور حکمت با اشاره به تحولات عظیم در جهان می گوید که: "در کنگره دوم حزب کمونیست ایران، و در مقالاتی که پس از آن در نشریه کمونیست به چاپ رسید کمونیسم کارگری بعنوان جهت گیری و روشی که حزب ما باید به اراده خود برگزیند مطرح شد. اینکه مبحث و خود عبارت کمونیسم کارگری عملاً تا چه حد در تفکر و سیاست ما جا باز کرد و تا چه حد درک مشترکی از آن امروز وجود دارد، مساله ای است که در اینجا به آن نمیپردازیم. به هر رو بحث کمونیسم کارگری نوعی انتخاب را در برابر ما قرار داد. انتخابی میان کمونیست بودن، امر انقلاب کارگری را به پیش بردن و یا علی العموم رادیکال بودن در حیطه رادیکالیسم غیر پرولتری محبوس ماندن. در این فاصله رویدادهای بسیار مهم و تاریخساز در سطح بین المللی رخ داده است. انتخابی که در کنگره دوم از آن سخن گفتیم دیگر نه فقط برای ما بلکه برای هر بخش از کل موجودیتی که در سطح بین المللی به حق یا ناحق خود را جنبش کمونیستی مینامد، موضوعیت عینی ندارد."

پس از کنگره منصور حکمت سمینارهایی را برای کادرها و اعضای حزب در زمینه مبحث کمونیسم کارگری سازمان داد. طی این سمینارها او کوشید مبانی کمونیسم کارگری و سیاست های منتج از آنرا بسط دهد. سمینار دوم او که در رابطه با فعالیت کمونیستی در کردستان بود به مجادلات بسیار تند در حزب، بویژه سازمان کردستان دامن زد. منصور حکمت در پلنوم ۱۶ حزب بتاريخ آبان ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) در بیانیه ای "جمع بندی از مباحث اخیر در تشکیلات کردستان حزب" را ارائه می دهد. نقل قولی از این بیانیه تصویر نسبتاً روشنی از موقعیت حزب در آن مقطع و ۶ سال پس از تاسیس آن تصویر می کند:

دنبال یک دوره مباحثات پرحرارت در تشکیلات کردستان حزب لازم است به سهم خود جمع بندی کوتاهی از وقایع این دوره بدهیم. قصد ما این نیست که وارد جزئیات بحثها بشویم و یا پاسخ تک تک نکاتی را بدهیم که در طی این مدت در مقابل نظرات ما مطرح شده اند. هدف ما اینست که برداشت عمومی خود از اوضاع و موضعگیری و جهت گیری کلی خودمان را برای اطلاع رفقای حزبی بیان کرده باشیم.

۱- سابقه و نحوه بروز مساله:

تصوری که بخصوص مخالفین بحث ما دوست دارند در تشکیلات وجود داشته باشد اینست که گویا مسائل و جدلهای دوره اخیر با سمینار و یا جزوه ما شروع میشود. این، در بهترین حالت، تصور بسیار خام و ساده نگرانه ای از اوضاع است. همانطور که قبلاً هم گفته ایم وجود خطوط و گرایشات در حزب و تقابل و کشمکش آنها، یکی از مشخصات همیشگی و اجتناب ناپذیر در حزب بوده است. انکار وجود گرایشات، انکار این تقابل، بنظر ما یکی از بارزترین نشانه های موضعگیری راست و یا سائتر در این حزب است که این تقابل را به نفع خود نمی بینند و از قطب بندی سیاسی در حزب و شفافیت پیدا کردن تفاوتها و اختلاف نظرها نگران است.

در فاصله کنگره دوم تا سوم حزب، تحت تاثیر

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به هذیان

گویی های ناسیونالیسم کرد! ...

تشکیل حزب زمان حمله رژیم به منطقه آلان، یک بحث تند و شدید میان منصور حکمت و ابراهیم عزیززاده برسر سرنوشت حزب تازه تاسیس شده در گرفت. هر قدم پیشروی کمونیسم در برابر ناسیونالیسم و گرایشات چپ غیر کارگری درون حزب به قیمت فعالیتهای شبانه روزی منصور حکمت میسر شد. بلافاصله پس از تشکیل حزب منصور حکمت پرچم کمونیسم کارگری را برافراشت. یکی از اولین حمله های او به کمونیسم غیر کارگری مدت کوتاهی پس از عقب نشینی از آلان به کردستان عراق صورت گرفت. زمانیکه بخش وسیعی از تشکیلات در اردوگاه "شین کاوه" مستقر بود، منصور حکمت یک جلسه از کلیه اعضاء و کادرهای حزب فراخواند و در محوطه باز درّه به نقد پراتیک غیر کمونیستی تحت عنوان "فاصله حرف و عمل" پرداخت. بنظر من این اولین سخنرانی منصور حکمت در جهت برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری بود. این سخنرانی به صراحت پراتیک خرده بورژوازی و غیر کارگری تشکیلات و رهبری را نقد کرد و البته با ناخشنودی بخشی از رهبری که همواره به حفظ تشکیلات به هر قیمت و بالا نگاه داشتن روحیه پیشمرگان می اندیشیدند، روبرو شد.

تلاش شبانه روزی منصور حکمت برای تقویت و قدرتیابی کمونیسم کارگری به عروج یک گرایش قوی کمونیستی درون حزب و بویژه تشکیلات کردستان حزب - کومه له انجامید. گرایش ناسیونالیستی تضعیف شده ولی کماکان فعال بود. بیانیه "حقوق پایه مردم کردستان" یکی از اسناد تاریخی کمونیستی است که منصور حکمت در ابتدای تشکیل حزب تدوین کرد. حزب دموکرات کردستان برای مقابله با قدرتیابی کمونیسم و رشد کمونیسم و جنبش کارگری درون جامعه کردستان یورش نظامی به کومه له را سازمان داد. گرایش ماجراجویانه ناسیونالیستی در میان بخشی از رهبری کومه له نیز شرایطی را ایجاد نمود که حزب دموکرات موفق شد ضربه نظامی مهمی به کومه له وارد آورد. طی این جنگ تعداد زیادی از نیروهای هر دو جریان جان باختند. در حالیکه رهبری ناسیونالیست کومه له ریشه و پیامد این جنگ را در تثبیت "هژمونی در جنبش انقلابی خلق کرد" می دید. منصور حکمت یک تبیین مارکسیستی - طبقاتی از این جنگ ارائه داد. پایان این جنگ نیز به یمن تلاشهای او برای قانع کردن رهبری کومه له به قبول سیاست آتش بس یکجانبه در پلنوم کمیته مرکزی کومه له پیش از کنگره ۶ میسر شد. منصور حکمت قطعنامه ای در این رابطه تهیه کرد که به تصویب کنگره ۶ کومه له رسید. بخش ناسیونالیست- ماجراجوی رهبری کومه له، از جمله عبدالله مهددی و عمر ایلخانی زاده با این سیاست مخالف بودند. لازم به ذکر است که بخش عمده سیاستهای رادیکال و کمونیستی مصوب کنگره ۶ کومه له توسط منصور حکمت تدوین شده و تصویب آنها حاصل ساعتها بحث شبانه روزی با رهبری وقت کومه له است.

از همان ابتدای تشکیل حزب و بویژه از کنگره دوم حزب منصور حکمت کوشید تا کمونیسم کارگری بعنوان جهت گیری و روش حزب تثبیت شود. در سه سال فاصله کنگره دوم و سوم ما شاهد فعالیتهای گسترده او در زمینه های مختلف فعالیت کمونیستی - حزبی برای رسیدن به این هدف

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به هذیان

گویی های ناسیونالیسم کرد! ...

شرایط عینی و اجتماعی بیرون حزب، گرایشات دخیل در این حزب از نظر سیاسی و فکری، از نظر افق مبارزاتی، و حتی از نظر مناسبات تشکیلاتی از هم دور شدند.

بحث کمونیسیم کارگری که بصورت انتقادی به تفکر و پراتیک مسلط بر حزب و رهبری آن ارائه شد خود نشانه فاصله گرفتن چپ از چهارچوب فکری موجود و آغاز پیدایش یک جریان کمونیسیتی- کارگری خودآگاه و با افق در قطب چپ این حزب بود. مباحثات کمونیسیم کارگری عکس العملی به وضع حزب نبود. زمینه اصلی این بحثها اوضاع عمومی جنبش به اصطلاح کمونیسیتی در سطح بین المللی و تعمیق نقد ما به سوسیالیسم غیر کارگری در مقیاس اجتماعی و جهانی بود. این بحثها همچنین نزدیکی عملی بیشتر حزب با کارگران و نفوذ مادی و روزافزون سوسیالیسم کارگری در حزب را منعکس میکرد. مباحثات کمونیسیم کارگری بحث و تئوری‌ای برای یک تشکیلات نبود، تلاشی کمونیسیتی بود برای درک جهان معاصر از نقطه نظر مارکسیسم و کارگر کمونیسیت و گشودن افقی برای کمونیسیم کارگری در دل بحران سوسیالیسم بورژوائی. این بحث طبعاً استنتاجات مشخصی نیز در قبال حزب بعمل می‌آورد و افقی را در برابر حزب بطور مشخص قرار میداد. با طرح این نظرات، جناح چپ دیگر رسماً در موضع انتقادی نسبت به خط سنتی رهبری در حزب قرار میگرفت. این خط سنتی که ماحصل پیروزی بر خلق گرایی بود، با تحولات عمومی در سطح جهانی، با زوال خلق گرایی، با پیدایش یک حزب بزرگ و معتبر که دیگر به بستر اصلی سوسیالیسم رادیکال در جامعه ایران تبدیل شده بود، اکنون دیگر به یک چهارچوب فکری سانتتر، به تئوری‌ای برای رهبری و حفظ و اداره یک تشکیلات معین، تنزل یافته بود. درجا زدن این سانتتر در زمینه‌های فکری و سیاسی را هر کس که نحوه عمل کمیته مرکزی حزب کمونیسیت ایران، کمیته مرکزی کومه‌له و در یک کلام ارگانهای متشکله از کادرهای این حزب را در سالهای اخیر از نزدیک دنبال کرده باشد بخوبی دیده است.

و بالاخره باید از جناح راست سخن گفت. بطور مشخص دو جریان راست در این حزب لانه کرده است. اول، ناسیونالیسم کرد. این جریان، علیرغم تعرض کنگره دوم کومه‌له به آن در درون کومه‌له و سپس حزب باقی ماند. با رادیکالیزه شدن دائمی حزب کمونیسیت تحت فشار جناح چپ، ناسیونالیسم کرد ساکت شد و به حاشیه رانده شد. اما بعنوان یک گرایش عینی و موجود در حزب نفوذ ایده‌های اساسی‌اش، افقش، و سنتهای مبارزاتی‌اش در تشکیلات کردستان حزب هیچگاه از بین نرفت. کشیده شدن جنگ ایران و عراق به کردستان، و سپس آتش بس میان دو دولت، افق ناسیونالیسم کرد را چه در ایران و چه در عراق در مقیاس اجتماعی تیره کرد. این را همه ما به روشنی در عملکرد نیروهای سنتی اپوزیسیون کرد در هر دو کشور و در سرنوشت عبرت آموز احزاب آنها در این دوره بخوبی دیده‌ایم. افق عمومی این جریانات انتظار است. یافتن خلل و فرجی برای باقی ماندن تا دور بعدی بحران سیاسی در منطقه، حفظ خود با پذیرش محدودیتهای بیشتر عملی و صبر. در درون حزب ما

هم ناسیونالیسم کرد جز این افقی ندارد. تصور شکوفائی سیاسی و قدرت یابی حزب در دل این اوضاع، آنهم به اتکاء به نیروی طبقه در شهرها، چیزی که سنت ناسیونالیستی حتی وجودش را منکر است، به زعم اینها یک توهم و خودفریبی چپ محسوب میشود. اگر این جریان با نظرات چپ، با سیاستها و تبلیغات و جهت گیری‌های چپ راه می‌آید دقیقاً به این خاطر است که چپ بزعم اینها چهارچوب فکری رادیکال و مردم پسندی برای "صبر" و حفظ روحیه بوجود می‌آورد. به این ترتیب با پیدایش محدودیتهای عملی برای اشکال سنتی مبارزه ناسیونالیستی، این راست نیز راستتر و نسبت به حقانیت سیاستهای چپ در حزب بدبین‌تر و نسبت به پراتیک آنها لاقیدتر میگردد.

راست دیگر، یک راست دمکراتیک و سوسیال دمکراتیک است. این راست را بصورت یک حرکت محفلی و یک جنبش مقاومت منفی بویژه در خارج کشور شاهد بوده‌ایم. اینها هم حاصل تحولات بین المللی در سوسیالیسم بورژوائی از یکسو و پایان خصلت پیشرو و کارساز چهارچوب سنتی تفکر حزب از سوی دیگر هستند. و درست در متن این بی خطی و درجا زدن سانتتر در حزب است که این جریان هم رشد میکند و عملاً مشکلات متعددی را بویژه در خارج کشور به حزب تحمیل میکند.

در متن چنین صف‌بندی‌ای است که تحولات و مجادلات اخیر شکل گرفته است. پیشروی خزنده راست در تشکیلات کردستان حزب با محدود شدن دامنه فعالیت نظامی و برجستگی یافتن موجودیت اردوگاهی تشکیلات آغاز میشود. امروز، وقتی به گذشته نگاه میکنیم، حتی کنگره ششم کومه‌له وقفه‌ای موقتی در روندی بنظر می‌آید که پیش از آن به نفع راست شروع شده بود. کنگره ششم تعرض چپ بود. اما این تعرض نتوانست دنبال گرفته شود و بویژه با لطمات و ضایعاتی که در کردستان متحمل شدیم، پرچم راست یعنی پرچم تلاش برای بقاء، مجدداً قد راست میکنند. در این دوره ما شاهد این واقعیت هستیم که راست خط مرکز در تشکیلات کردستان را بسوی خود میکشد. بدبینی خود را به چپ به آن سرایت میدهد. رخوت مرکز و ناتوانی‌اش از پاسخگویی به محدودیتهای و فشارها، راست را ناگزیر میکند تا برای "حفظ تشکیلات و صبر" به شیوه‌ها و راهها و شعارهای خود تکیه کند. عرق سازمانی و حتی عرق ملی، تخفیف دادن دشواری‌های عینی در اذهان، "حفظ انسجام و روحیه" از طریق دامن زدن به خودپسندی تشکیلاتی و بحث داخل و خارج، اینها شیوه‌های اثباتی خود این جریان راست برای تشکیلات‌داری است. اینها در عین حال گواه عمق تعصبات و تعلقات ناسیونالیستی این جریان نیز هست. اما تا قبل از دوره اخیر پیشروی راست و گسترش نفوذش روی مرکز یک پیشروی خزنده است."

منصور حکمت در سال ۱۹۹۰ فراکسیون کمونیسیم کارگری را رسماً اعلام کرد؛ بخش وسیعی از اعضاء و کادرهای حزب به آن پیوستند. حزب برای برگزاری کنگره ۴ آماده می‌شد. در این میان اوضاع بین المللی متحولتر و وخیمتر شد. آمریکا و موئل‌فینش در سال ۱۹۹۱ به عراق حمله کردند. بیش از صد هزار نفر را کشتند؛ بخش وسیعی از کشور را ویران نمودند. در این میان جنب و جوش و تحولات سیاسی در کردستان عراق قابل توجه بود. از یک سو احزاب ناسیونالیست عشیره‌ای به جنب و جوش افتادند و از سوی دیگر جنبش چپ و کارگری وارد صحنه شد. کوچ وسیع مردم از کردستان یکی از وقایع درآورد این دوره است.

منصور حکمت پس از کنگره سوم و پیش از برگزاری سمینارهای کمونیسم کارگری مبلغی حدود ۱۷۰ هزار مارک آلمان را به حساب ابراهیم علیزاده واریز کرد. و به ابراهیم علیزاده گفت که در شرایط آن زمان حزب این را کاری درست و اصولی می‌داند. بر سر پولی که در حساب عبدالله مهتدی بود، خدا می‌داند که چه آمد!

اما چرا رهبری فعلی کومه له در این موارد سکوت اختیار کرده است؟ چرا رسماً یک اطلاعیه نمی‌دهد و حقیقت را بیان نمی‌کند؟ اگر در سیاست با منصور حکمت اختلاف دارد و در این مورد نمی‌خواهد صحبت کند، در مورد مسائل مالی که می‌تواند سخن بگوید. همانگونه که در محافل شخصی به این رفیق سابق و آن رفیق دیگر همراه منصور حکمت می‌گوید، چرا این حقایق را علناً به جامعه اعلام نمی‌کند. باین علت که بقول منصور حکمت سیاست برای اینها بمعنای "پولتیک زدن است." در حاشیه این اختلاف و این تحول و آن بند و بست به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهند. این روش و سرنوشت ناسیونالیسم چه چپ و چه راست و سوسیالیسم غیر کارگری و خرده بورژوازی است. انتظار از این رهبری برای اعلام حقیقت یک توهم بیش نیست. اعلام این انتظار اشاعه توهم است. بجای آن باید آنها را به مردم معرفی کرد و شناساند. پولتیک های سیاسی خرد بر "وجدان حقیقت طلب" تفوق دارد. حقیقت در چنین سیاست بازی هایی جایی ندارد.

1- نقل قول زیر از "نقطه قدرت جنبش ما" حدود یکماه پیش از کنگره موسس حزب کمونیست ایران، تصویری روشن از موقعیت جنبش مارکسیسم انقلابی و حملات چپ های غیرکارگری به آن بدست می‌دهد. جالب اینجاست که این حملات هنوز پس از 34 سال ادامه دارد. منتهی کمونیسم کارگری بجای مارکسیسم انقلابی نشسته و شخص منصور حکمت هدف اصلی این حملات قرار گرفته است:

"خرده بورژوا - سوسیالیست ها از رشد سریع و استواری مارکسیسم انقلابی ایران شگفت زده شده اند و لذا برای توضیح این واقعیت و هضم علل ناکامیهای پی در پی خود، به سیاق طبقه خود به توجیهای و روایات ذهنی گرایانه، خرافی و متافیزیکی پناه برده اند. آکادمیست ها و منفعلینی که از سازمانهای خط ۳ بجا مانده اند، فدائیان اقلیت و راه کارگر و جریانات رویزیونیست به افلاس کشیده شده نظیر حزب رنجبران مکررا از "محل کوچک روشنفکرانی"، سخن میگویند که "دژها" را از بیرون و از درون "تسخیر کردند" و صد ها و هزاران کمونیست انقلابی را با کلام خود اغوا نمودند! اینان لاجرم در هراس از اینکه این "بختک" دیر یا زود بر آنان نیز نازل شود سراسیمه بر خود آخرین خشت های "دژ" تشکیلاتی خود صلیب میکشند، آخرین نشانه های منطق و عقل سلیم را از دست میدهند و به شیوه جدیدی از "مبارزه ایدئولوژیک"، یعنی لعنت فرستادن و نفرین کردن و دشنام دادن، در قالب عبارتی هر چه غیر سیاسی تر و میتدل تر متوسل میشوند. این انعکاس درک خرده بورژوازی کوتاه فکر است که پیروزی را جز از طریق توطئه گری ممکن نمیدانند. پایه های عینی و مادی پیشروی ما برای جریانات بورژوائی و خرده بورژوائی قابل درک نیست. شکل گیری سریع مارکسیسم انقلابی انعکاس سیاسی و تشکیلاتی حضور عینی طبقه کارگر ایران در صحنه انقلاب بود. طبقه ای که برای پیشروی و رهائی خود به تئوری انقلابی و سازمان سیاسی پیشتاز خود نیاز داشت، و خود با حضور فعال خود در صحنه سیاست و انقلاب زمینه مادی و شرایط مساعد برای از زیر آوار درآمدن این تئوری انقلابی و تقویت سیاسی و تشکیلاتی نیروها و سازمانهای پیشتاز خود را فراهم کرده بود. بر مبنای این نیاز عینی طبقه کارگر و اوضاع مساعدی که شرایط انقلابی پدید آورده بود، پیشروان کمونیست توانستند سنگرهای سوسیالیسم خرده بورژوائی و تجدیدنظرطلبی در درون جنبش کمونیستی را یکی پس از دیگری فتح کنند. این مبارزه ای نبود که یک "محل روشنفکری" کلید آنرا زده باشد. بر خلاف تصور

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به هذیان

گویی های ناسیونالیسم کرد! ...

حمله آمریکا و ناتو به عراق امید به قدرتیابی و به آب و نان رسیدن را در میان جنبش ناسیونالیستی کرد زنده کرد. بر روی تله کشته های مردم و سربازان "عرب" آنها کاخ صدارت خود را می ساختند. این جنب و جوش به جنبش کردستان عراق محدود نماند. ناسیونالیسم کرد در ایران و در درون حزب کمونیست ایران نیز فعال شد و فیلش یاد هندوستان کرد. بیاد "دوستان دیروز و امروزشان" درون جنبش ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق افتادند، خود را به قدرت و مال و منال منتج از آن نزدیک دیدند. این شرایط منجر به قدرتیابی گرایش ناسیونالیستی در سازمان کردستان حزب کمونیست شد. این شرایط فعالیت درون یک حزب همراه با گرایشاتی که منصور حکمت در بالا به آن اشاره کرد ناممکن ساخت. منصور حکمت تصمیم گرفت که از حزب کمونیست جدا شود. رفقای درون کانون کمونیسم کارگری و در درون حزب به او نقد می کردند که باید بماند، کنگره ۴ را تشکیل دهد و عملاً باتکای نیروی اکثریتی که در حزب داشت، حزب کمونیست را بیکپارچه از آن خود، رفقای حزبیش و کمونیسم کارگری کند. منصور حکمت مخالفت کرد. او میدانست و بعداً در صحبت های غیر رسمی اعلام کرد که چنین حرکتی درون یک حزب مسلح به یک فاجعه مهم و عظیم می انجامد؛ او همچنین اشاره کرد که در آن شرایط ایدئولوژیهای بورژوا و ضد کمونیست مارک استالینیست بر پیشانی این حزب و شخص او خواهند زد و حزب هیچگاه نخواهد توانست از آن سر بلند کند. از اینرو اعلام کرد که از حزب شخصاً جدا می شود، (یعنی انشعاب سازمان نمی دهد) و فقط "قلم خود را با خود خواهد برد." چنین نیز کرد.

اما پیش از جدایی در عین حالی که در پلنوم بیست رسماً اعلام کرد که قصد جدایی دارد و این نامه را منتشر نیز کرد همچنین اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن در دفتر سیاسی باقی خواهد ماند و بر پرورده جدایی و انتقال خانواده ها، افراد زخمی و کسانی که در نیروی نظامی فعالیت نداشتند به یک نقطه امن خارج عراق نظارت خواهد کرد. چنین نیز کرد. منصور حکمت اطمینان حاصل کرد که جدایی از حزب به متمدن ترین شکل انجام گیرد و صدها نفر انسانی که عملاً در اردوگاه های کومه له در کردستان بی آینده بسر می بردند به یک کشور امن منتقل شوند. این یک رویداد مهم در تاریخ نه تنها جنبش کمونیستی، بلکه در تاریخ اختلافات سیاسی درون احزاب بویژه در شرایط جنگی است.

در انتها باید به یک نکته کوچک در مورد تسویه حسابهای مالی اشاره شود. منصور حکمت همانگونه که گفت جز قلم خود هیچ چیز با خود نبرد. حزب کمونیست کارگری که در نوامبر ۱۹۹۱ تاسیس شد جز کادرهای کمونیست پر سابقه خود و ادبیات عظیم تئوریک سرمایه دیگری نداشت. این حزب به یمن تلاش شبانه روزی و انقلابی کادرهای کمونیستش که بخش وسیعی از آن اعضای سابق کومه له بودند، در عرض چند سال به بزرگترین حزب کمونیستی انقلابی در خاورمیانه و مهمترین نیروی اپوزیسیون علیه رژیم اسلامی بدل شد. کومه له میزان بالایی پول داشت که پس از تشکیل حزب و انتقال بخشی از رهبری به اروپا آنرا در حسابهای شخصی منصور حکمت و عبدالله مهتدی قرار داد.

بیان حقایق تاریخی در پاسخ به هذیان

گویی های ناسیونالیسم کرد! ...

۱- ما در تبلیغات آنطور که باید کارگران و زحمتکشان را مخاطب قرار ندهیم، حزب دمکرات را در تلاشش برای "رهبری" و "قدر قدرتی" افشا کنیم و کمتر به خصلت ضدکارگری اش بپردازیم.

۲- مبارزه نظامی برجستگی بیش از حد بیابد و نظامیگری رواج یابد.

۳- در مبارزه نظامی خود را فرسوده کنیم، در هر حال، مادام که حدکا به جنگطلبی خود علیه ما ادامه می دهد (اعم از اینکه عملاً ضربه ای می زند یا نه) خود را ناموفق احساس کنیم

۴- شرایط ختم جنگ را نشانیم

۵- پیروزی را تشخیص ندهیم

۶- در صورت شکست نظامی، ادامه کاری سیاسی خود را نیز، که در این دوره دچار وقفه نیز میشود، از دست بدهیم و با منطق خودمان خود را در امر مبارزه بر سر هژمونی مغلوب احساس کنیم.

۷- حتی به همان نسبت که تناسب قوایی در قلمرو نظامی به وجود می آوریم، قادر نباشیم کار سیاسی خود را سازمان بدهیم. شیخ جنگ باقی بماند. (مرداد ۱۳۶۲- یک سند داخلی مندرج در سایت <http://hekmat.public-archive.net/index.html>)

۳- "اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسم- گزارش به کنگره سوم حزب کمونیست ایران"

در حاشیه همین بحث در کنگره به شیوه ای صریحتر موقعیت رهبری حزب در قبال این اوضاع خظیر سیاسی جهانی را بیان می کند: "آنچه میخوام اینجا بگویم چکیده کل بحث من در این کنگره است و تمام صحبت های بعدی ام در طول جلسات از همینجا مایه خواهد گرفت. دیروز در حاشیه جلسات از یکی از رفقا پرسیدم که آیا در این میحث، که البته عنوان پرطمطراقی هم دارد، دخالتی میکنی؟ به شوخی گفت که بهتر است فعلاً "قاج زین را بچسبم". و بحثی که من دارم اینست که به حکم شرایط عینی که بیرون، در دنیا، در جریان است بدون توجه به این بحث قاج زینی دست کسی باقی نماند که بچسبد. بحث بر سر کمونیسم کارگری و اوضاع حساس و تعیین کننده بین المللی است و در مقابل این "قاج زین" یعنی "بگذار تشکیلات را اداره کنم"، "بگذار این هفت هشت ماه را بگذرانم"، "پراتیک سازمانی وارگانی من مشغله من است" و در یک کلمه "حزب را بچسبیم". اما تمام بحث ما اینجا اینست که دیگر دوره ای که بتوان جدا از منفعت انقلاب کارگری و مبارزه کارگری پراتیک انقلابی ای داشت و سازمان رادیکالی داشت و اداره کرد گذشته است. و هر رفیق ما که میخواهد چنین کند باید بدو عمیقاً به میحث امروز و استنتاجاتی که از آن میکنیم توجه کند." (منصور حکمت، در حاشیه گزارش "اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسم" سخنرانی در کنگره سوم.)

خرده بورژوازی توطئه گر و کوتاه اندیش، مبارزه مارکسیسم علیه پوپولیسم و اپورتونیزم در هر جریان و سازمانی که مدعی مارکسیسم بود جریان یافت. جریان حزبی امروز مارکسیسم انقلابی ماحصل این تلاش مداوم انقلابیون کمونیستی است که در صفوف کومله، اتحاد مبارزان کمونیست، سازمان پیکار، سازمان رزمندگان، وحدت انقلابی و حتی اگر چه به درجه ای کمتر در درون طیف فدائی برای بیرون کشیدن مارکسیسم از زیر بار جنبش امروز ما وحدت جریانات پیشرو و آگاهی را نمایندگی میکند که در طول چند سال و در جریان یک مبارزه هم جهت و مشترک، یکدیگر را باز یافتند و صفوف خود را تحت پرچم واحدی فشرده کردند. تلاش در پاسخگویی به نیازهای واقعی پرولتاریا و انقلاب پرولتاری و آگاهی به ضرورت تامین استقلال همه جانبه طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی و انقلابی از طریق نقد پیگیر افکار، سیاستها و روشهای بورژوائی و خرده بورژوائی در جنبش کارگری و کمونیستی، این نقطه قدرت واقعی ما و مبنای پیشروی های تا کنونی ما بوده است. "منصور حکمت، "نقطه قدرت جنبش ما".

۲- طنز تاریخ اینجاست که اکنون کلیه گرایشات ناسیونالیستی کرد از جمله حزب دموکرات منصور حکمت را مسبب این جنگ می خوانند. اما شاید حزب دموکرات منصور حکمت را مسبب جنگ می خواند، زیرا خوب می داند که رشد کمونیسم کارگری درون تشکیلات و در جامعه محصول مستقیم فعالیت های تنوریک - سیاسی او بود. و دشمنی حزب دموکرات با کمونیسم نیز بر کسی پوشیده نیست.

نقل بخشی از نقد منصور حکمت بر یک سند داخلی تدوین شده توسط کمیته مرکزی وقت کومه له (یا بخشی از آن) تبیین راست، ناسیونالیستی و ماجراجویانه این بخش از رهبری وقت کومه له از جنگ کومه له و حزب دموکرات را بخوبی نشان می دهد؛ ضمناً نشان می دهد که اگر منصور حکمت برای ختم جنگ دخالت نکرده بود چه فاجعه ای در انتظار تشکیلات می بود:

ملاحظات بر سند "جمع بندی از بحث ارزیابی ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات"

به هر رو خاصیت این بیان پوپولیستی- نظامی اینست که در حالی که از لحاظ سیاسی به راست می چرخد و بطور ذاتی در سیاست اوانس می دهد، در عرصه نظامی چپروی می کند. از مبارزه نظامی تمام آن کاری را طلب می کند که پیش از این قرار بود توسط مجموعه فعالیت حزب ما متحقق شود. چرا که: ۱- جنگ را نه به اعتبار تخالف پرولتاریا و بورژوازی بطور کلی و ضدیت آنها در جنبش دمکراتیک بطور اخص، بلکه به اعتبار رهبری جنبش و لذا با مفروض گرفتن، یکدست گرفتن و متحول ندیدن جنبش تبیین می کند. اینجا نفس جنبش و نیروهای فعاله آن مفروض است و مورد نقد نیست، دعوا بر سر رهبری آن است. اینجا درست یکی از بروزات عدم تعلق حزب دمکرات به جنبش انقلابی کمرنگ می شود. این راست روی در سیاست است.

۲- اگر مساله کسب هژمونی منشا جنگ باشد، آنگاه پیروزی نظامی قطعی و کسب این هژمونی نمی تواند منطقاً هدف جنگ تلقی نگردد (و اگر هدف اینطور تبیین نمی شود به معنای "انحراف" از سند ارزیابی است). اما پیروزی قطعی، که گویا صرفاً به اعتبار جنگ ما (با نیروی سازمانی ما) قابل حصول است، مستلزم عملیات نظامی بسیار گسترده، دنباله دار، فشرده و فرسوده کننده است. این معادل "جنگ جنگ تا پیروزی" است، زیرا با هر نتیجه دیگری به جز حل و فصل مساله هژمونی، جنگ نظامی خود را شکست خورده تصور می کند. معنی این راست روی سیاسی و چپروی نظامی در عمل این خواهد شد که:

کمونیست را بخوانید

و بدست دوستانتان برسانید!

ابراهیم یزدی از دریچه تاریخ

سیاوش دانشور

ابراهیم یزدی دبیر نهضت آزادی بدلیل بیماری سرطان در ترکیه درگذشت. ما بعنوان کمونیست، بعنوان کسانی که برای پایان دادن به چرخه جنایت و سببیت سرمایه داری تلاش میکنیم، بعنوان کسانی که مخالف اعدام و شکنجه و زندانی سیاسی و جرم سیاسی هستیم، آرزوی مرگ برای کسی نمیکنیم. ما وقتی شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" سر میدهیم، خواستار نابودی و الغای چهارچوبهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی و مذهبی نظامی هستیم که مانع نفس زندگی و پیشرفت و اعتلای بشر امروز است. درعین حال ما کسانی هستیم که سر سازش با جنایتکاران و عناصری که در شکل دادن به تاریخ سیاه قریب چهار دهه حاکمیت منحوس اسلامی نقش داشته اند، نداریم. خواهان محاکمه علنی و عادلانه آنها در دادگاههای منتخب و مستقل مردم هستیم و معتقدیم باید مجازات شوند. این مجازات اما از نظر ما اعدام نیست، چرا که عمیقاً بر این باوریم که باید به چرخه جنایت و ترور و فلسفه قرون وسطانی "چشم در مقابل چشم" پایان دهیم. یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی نمیتواند روی دوش قتل متقابل و خونریزی و انتقام بنا شود. برعکس، برای عبور از یک دوران وحشت که کشتارهای دهه شصت از شاخص های اساسی آنست، باید حقیقت تاریخی تماماً روشن شود و روی دوش روشنگری و ورق زدن تاریخ جنایت رژیم اسلامی و عملکرد جنایتکاران، جامعه ای بنا نهیم که اعدام و شکنجه و زندان سیاسی در آن به تاریخ سپرده شود.

جنایت، مادام که پرونده آن ورق نخورده و بررسی عادلانه نشده است، تاریخ انقضا ندارد. از نظر حقوقی میتوان یک پرونده را مختومه اعلام کرد اما از نظر تاریخی خیر. دادگاه نورنبرگ هرچه علیه فاشیسم و نازیها حکم صادر کرده باشد، در این حقیقت که فاشیسم در یک دوره تاریخی چه جنایات هولناکی علیه بشریت صورت داده است، تغییری نمیدهد. به همین اعتبار نام جنایتکاران جنگی، دیکتاتورهای دواآتشه و قسی القلب، نهادها و عناصری که راه وقوع جنایت علیه مردم را باز و هموار کردند، کسانی که شریک جنایت بودند و در مقابل آن سکوت کردند، همه و هر کدام بنحوی، طبق هر قانون شبه آزادیخواهانه و منعبت از اراده و منافع مردم جرم محسوب میشوند. وزیر و رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس مجلس حکومت جنایت نمیتواند ادعا کند که من "مامور بودم و معذور!" یا "من خبر نداشتم و یا مخالف بودم!" حتی مغضوب شدن بعدی لایه های مختلفی در درون رژیم اسلامی از بنی صدر و دیگران تا نهضت آزادی و آخوندهای متفرقه، که توسط مکانیزمهای رقابت و جدال درون حکومتی به بیرون پرتاب و یا بطور فیزیکی حذف شدند، هیچکدام نه ضرورتاً بیانگر "حقانیت سیاسی" آنهاست و نه از شریک بودنشان در یک دوره معین جنایت حکومتی کم میکند.

مادام که این افراد راجع به آنچه که میدانند سخن نگفته اند، "علی الحساب" از مردم و بازماندگان قربانیانشان معذرت نخواستند، و اعلام نکرده اند که حاضرند برای اجرای عدالت در هر دادگاه منصف و

صلاحیتداری حاضر شوند، نباید هیچ چراغ سبزی در اردوگاه مخالفین جمهوری اسلامی بعنوان "فرد تغییر کرده و اپوزیسیون شده" دریافت کنند.

ابراهیم یزدی از بسیاری مسائل اساسی و سر به مهر درون حکومت اسلامی اطلاع داشت اما ترجیح داد تا آخرین روز حیاتش سکوت کند، از جمهوری اسلامی دفاع کند، در "انتخاباتش" شرکت کند و رای بدهد، کلاس تفسیر قرآن بگذارد و این خط منحنی و عقبمانده و بیربط به سیاست ایران را ترویج و تبلیغ کند. ملی مذهبی ها هرچه تلاش کنند ابراهیم یزدی را بعنوان یک "سوسیال دمکرات و پدر معنوی اصلاح طلبان دینی معرفی کنند، یزدی واقعی سرچایش است. اینجا وارد محتوای دست راستی "سوسیال دمکراسی ایرانی" و اصلاح طلبی اسلامی نمیشوم و در مباحث دیگر راجع به آن گفته ایم و نوشته ایم. ابراهیم یزدی واقعی در همان دوره کوتاه استقرار اولیه جمهوری اسلامی، و کلا جریان مکلا مذهبی حاکمیت جدید اسلامی، کسی و کسانی هستند که آنتی کمونیسم حرف اول و آخرشان است. ضدیت با هرچه که بوئی از چپ دارد و برخورد سوپر حزب الهی با آن، "هنری" است که ابراهیم یزدی و نهضت آزادی در صف اول آنست. اطلاعاتیه نهضت آزادی راجع به دستگیری سران حزب توده و اظهار شغف آن، که تازه حزب توده از مدافعین دواآتشه "امام خمینی ضد امپریالیست" بود، سیاست نهضت آزادی و نوع ابراهیم یزدی را نشان میدهد. ایشان کسی بود که گروه های کمیته چی "ماشاله قصاب" را با قمه و ساطور و چماق سازمان دادند و به جان کمونیست ها و انقلابیون انداختند. ایشان، به قول خودشان، مبتکر و طراح چهارچوبهای اولیه جمهوری اسلامی بودند که با تصحیح نکاتی جزئی به امضای خمینی رسیده و اجرایی شده است. یزدی مشاور سیاسی خمینی و مترجم استریوتایپ سخنان خمینی در رسانه ها و از پیروان فالانژ وی بود. ایشان مبتکر و نقش مهمی در ایجاد سپاه پاسداران و محاکمه صحرایی و اعدام سران ارتش در مدرسه رفاه، مقر خمینی، داشت. ویدئوهای یزدی در حمله و محاکمه امثال تیمسار رحیمی، راه را برای لاجوردی ها و خلخالی ها و خیل آدمکشان اسلامی فراهم کرد.

ابراهیم یزدی و نوع وی، زمانی که رژیم اسلامی مستقر شد، خاصیت ابزار و انتقالی شان را در بقدرت نشانند و استقرار رژیم اسلامی از دست دادند و به بیرون دایره "خودی ها" رانده شدند. با اینحال بعنوان "اپوزیسیون مجاز" در حاشیه حکومت کماکان در دفاع از اساس جمهوری اسلامی از طریق دفاع از یک جناح آن، دست نکشیدند. نهضت آزادی و آرمانی که نمایندگی میکند، در جمهوری اسلامی تبلور یافته است. واقعیت زشت و وصله ناجوری که هیچوقت توسط جامعه ایران پذیرفته و هضم نشد. نهضت آزادی و گرایش "نواندیشی دینی"، شاید در متن فشار به حاکمیت اسلامی در ایران توسط رسانه ها بطور آزمایشگاهی زنده نگاهداشته شوند، اما از منظر جامعه و تمایلات اجتماعی و طبقاتی در یک جامعه سرمایه داری قرن بیست و یکمی، به عصر حجر تعلق دارند. ابراهیم یزدی یک مرتجع سیاسی و ضد کمونیست، و مادام که در درون حکومت بود، شریک جنایات رژیم اسلامی بود. ابراهیم یزدی موثرترین دوره عمر سیاسی اش را به دفاع از جریان اسلامی خمینی و استقرار جمهوری اسلامی اختصاص داد و مابقی عمرش را نیز از این نظام دفاع کرد و علیه تغییر انقلابی سخن گفت. ابراهیم یزدی از منظر تاریخ همان است که بود، نه بیشتر و نه کمتر.

منافع مردم و ظرفیت بالای این جریان در ارتکاب به اقدامات سیاه و غیر مسئولانه و پر مخاطره را نشان میدهد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست با خانواده و بستگان جانبختگان این واقعه و مردم روستای گونده ژور و منطقه چومان ابراز همدردی کرده و تسلیت میگوید. ما بر حق اولیه این مردم در حفاظت از باغ و مزارع و درختان حاصل رنج خودشان پافشاری میکنیم. در عین حال حفظ اموال و امکانات مردمی که احزاب اپوزیسیون در میان و یا در جوار آنها مقر و پایگاه و فعالیت دارند، قاعدتا جزو وظیفه اولیه این احزاب است.

در این واقعه دلایل مشخصی نقش توطئه گرانه جمهوری اسلامی در وقوع آن و به ویژه در ادامه بخشی فضای تنش و کشمکش در منطقه را نشان میدهد. به تحریک جمهوری اسلامی دو باره ساز محدود کردن و حتی ممنوع کردن فعالیت احزاب مخالف جمهوری اسلامی در کردستان عراق شنیده میشود. انگار فرصتی برای عملی کردن تهدیدهای همیشه موجود جمهوری اسلامی از طریق حکومت عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق پیش آمده است، تا با استفاده از آن توصیه های جمهوری اسلامی را عملی کنند. مردم آزادیخواه و انساندوست منطقه چومان و کردستان عراق و سازمانهای سیاسی در منطقه باید در مقابل این سیاست نیابتی جمهوری اسلامی که توسط برخی از احزاب شریک در حکومت اقلیم کردستان و عناصر وابسته به خود این رژیم اجرا میشود، بایستند و با هوشیاری و متحدانه آن را خنثی کنند. نباید گذاشت جمهوری اسلامی به بهانه این رویداد و با کمک متحدان و عوامل خود در عراق و کردستان عرصه حضور و فعالیت احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را بیش از پیش در تنگنا و مخاطره قرار دهد. ما از مردم کردستان عراق میخواهیم با هوشیاری توطئه های جمهوری اسلامی را خنثی کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست

۷ شهریور ۱۳۹۶ - ۲۸ اوت ۲۰۱۷

کشتن مردم تحت هر بهانه ای قویا محکوم است

(در مورد واقعه منطقه چومان در کردستان عراق)

روز جمعه اول شهریور در اثر نزاع بین افراد مسلح سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی و چند نفر از اهالی روستای گونده ژور در نوار مرزی چومان کردستان عراق، متأسفانه دو نفر در اثر تیراندازی افراد مسلح این سازمان جانباخته و دو نفر دیگر زخمی میشوند. این چهار نفر از یک خانواده و برادر هم بوده اند. اعتراض این خانواده به بریدن درختان آنها و صدمه زدن به باغ و مزرعه شان بوده است. بعد از کشته و مجروح شدن این چهار نفر، اهالی خشمگین روستای گونده ژور و منطقه بسرعت و مسلحانه به مقرهای احزاب اپوزیسیون کردستان ایران مستقر در آن منطقه حمله کرده و مقرهای آنها را به آتش می کشند و ۱۳ نفر از افراد مسلح آنها را اسیر می نمایند.

واضح است تیراندازی به مردم و کشتن دو نفر و زخمی کردن دو نفر دیگر از اهالی روستای گونده ژور به دست نیروی مسلح سازمان زحمتکشان با هیچ بهانه ای توجیه بردار نیست و محکوم است. در این رویداد تحویل دادن مجریان ساده این جریان به دستگاههای امنیتی و قضایی احزاب حاکم کردستان و قربانی شدن احتمالی آنها نباید مسئولیت مستقیم رهبری سازمان زحمتکشان و کارگزاران اصلی سیاسی و نظامی آنها در وقوع چنین رویداد شنیعی را کم رنگ کند. دو عضو ساده و مسلح سازمان زحمتکشان در چهارچوب سیاستها و سنتهای بیگانه به منفعت مردم رهبری آن سازمان ارتجاعی ظرفیت تیراندازی و کشته و زخمی کردن مردم را در خود پرورانده و تحت امر مسئولین سیاسی و نظامی خود به چنین اقدامی دست زده اند. لذا اگر قرار است، محاکمه ای صورت گیرد، در وهله اول رهبری و سیاست گذاران سیاسی و نظامی سازمان زحمتکشان باید پاسخگو باشند. رویداد تلخ روستای گونده ژور در منطقه چومان یکبار دیگر بیگانگی سیاست و کارکرد سازمان زحمتکشان با

وخامت حال رضا شهابی به دلیل ادامه اعتصاب غذا



حال رضا شهابی به دلیل عوارض ناشی از اعتصاب غذا وخیم است. خانواده ایشان پس از ملاقات روز چهارشنبه هشتم شهریور اعلام کردند که رضا ضعف شدید دارد و در ملاقات حال صحبت کردن نداشته همچنین دست چپ ایشان سر شده و گزگز می کند. یادآور می شود امروز بیست و دومین روز اعتصاب غذا این کارگر زحمتکش می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه عمیقاً به دلیل وخامت حال کارگر زحمتکش رضا شهابی نگران است. و مسئولیت شرایط بوجود آمده برای ایشان را متوجه مسئولان قضایی و امنیتی می داند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان همچنین لغو احکام زندان علیه ابراهیم مددی و داود رضوی دیگر اعضای هیات مدیره سندیکا و فعالین کارگری و معلمان می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

هشتم شهریور ۱۳۹۶

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

مردم سنندج از سوزانده شدن مصلح حسینی بشدت متاثر هستند!

بنا بر خبر پخش شده در سنندج، مردم آزادیخواه سنندج در اعتراض به کشتن مصلح حسینی کارگری که در اثر آتش سوزی عمدی توسط نیروهای مبارزه با "سد معبر" شهرداری سنندج، جان باخته بود در دو مکان شهر سنندج تجمع اعتراضی برپا کردند. در این رابطه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در چند روز اخیر خانواده مصلح حسینی را بشدت تهدید کردند که نباید هیچگونه اعتراضی نسبت به کشتن فرزندشان داشته باشند.

روز چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶ به فراخوان فعالین کارگری سنندج ساعت ۱۰ صبح جلو شهرداری مرکزی شهر معترضین تجمع کردند اما، نیروی انتظامی و لباس شخصیها مانع ادامه حرکت اعتراضی مردم شدند. در تجمع جلو شهرداری یک نفر را دستگیر کردند که با دخالت اعتراضی تجمع کنندگان بعد از چند دقیقه ناچاراً او را آزاد کردند. در ادامه این حرکت اعتراضی، ساعت ۶ بعدازظهر علیرغم تهدیدات و تلاش نیروهای امنیتی و لباس شخصیها برای ایجاد فضای رعب و وحشت، تجمعی بر مزار مصلح حسینی برگزار گردید و یکی از شرکت کنندگان با اشاره به اینکه مصلح یک کارگر بود و او جرمی جز تلاش برای ادامه حیات نداشته است، عمداً به آتش کشیده شده است، زیرا در این نظام جان کارگران هر روزه قربانی میشود و ... سخنرانی پرشوری نمود که با استقبال حاضرین روبرو گردید.

در تجمع تاکید شد که، مردم سنندج خواهان شناسایی عاملین این جنایت و تامین زندگی خانواده مصلح حسینی از طرف دولت هستند!

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

۸ شهریور ماه ۱۳۹۶

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

را در مبارزه تنها نگذاریم

بخشی از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی

در اعتصاب غذا بسر میبرند

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی حمله به فعالین جنبش کارگری را تشدید کرده است. کسانی که ظاهراً آزاد شده بودند بدلیل واهی دوباره به زندان فرا خوانده میشوند. حتی خانواده فعالین کارگری و سیاسی مثل همیشه در امنیت نیستند. بخشی از زندانیان سیاسی در زندان رجائی و زندانهای دیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. رضا شهابی با اتهامات واهی دوباره به زندان افتاده و از تاریخ هشت مرداد در اعتصاب غذا بسر میبرد. برای نجاتی حکم زندان مجدد صادر شده است. شاهپور احسانی راد به حکم قرون وسطایی شلاق محکوم شده است. محمود صالحی، داوود رضوی و ابراهیم مددی و دهها فعال اجتماعی و کارگری دارای پرونده باز و مشروط در دستگاه قضایی هستند. زینب جلالیان و آتنا دائمی، آرش صادقی، نرگس محمدی، گلرخ ابراهیمی، سعید ماسوری، سعید شیرزاد، لقمان و زانیر مرادی و دهها فعال اجتماعی در عرصه جنبش زنان و دفاع از حقوق کودکان اسیر شده اند. نمایندگان آموزگاران چون اسماعیل عیدی و محسن عمرانی کماکان در حبس اند و اولیه ترین حقوق انسانی آنها در زندان زیر پا گذاشته میشود.

برای هر آزادیخواهی آشکار است که این موج فشار نشانه ترس رژیم از برآیندهای محتمل توده ایست. ابعاد وسیع فقر و بی حقوقی اجتماعی چشم انداز تیره ای را فراروی رژیم ضد کارگری و آزادی در ایران می گشاید. در مقابل این هجوم باید ایستاد. در هر کجا که هستیم همراه با دیگر فعالین آزادیخواه واکنش ها را به حمله تبدیل کنیم و نگذاریم رژیم، فعالین کارگری و اجتماعی را در زندانها و شکنجه گاههای خود به مرگی خاموش محکوم کند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و زندانهای سیاسی باید برجیده شود. این هدف ما است.

روز دوم سپتامبر ۲۰۱۷ ساعت ۴ عصر در میدان سرگل جمع میشویم تا صدای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باشیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

۲۶ اوت ۲۰۱۷



اعتراض به حبس مجدد رضا شهابی

از طرف یکی از تشکلات هماهنگ کننده سراسری در بخش حمل و

نقل عمومی ایتالیا

"ما همچنین مطلعیم که شرکت حمل و نقل ایتالیایی، "راه آهن دولتی ایتالیا"، در حال همکاری اقتصادی با شرکتهای حمل و نقل ایران، "شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران" است؛ چنین چیزی در شرایطی که کارگران ایران در بخش حمل و نقل نیز سرکوب می شوند و حقوقشان نقض می گردد، قابل تحمل نیست."

" ضروری است تا رهایی رضا شهابی و همه کارگرانی که ناعادلانه حبس شده اند، از همکاری با شرکت های ایرانی جلوگیری شود؛ در غیر این صورت ما آماده اعلام اعتصاب در تمام شرکتهای اتوبوسرانی "اف اس آی" در ایتالیا هستیم."

به:

رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران، حسن روحانی

شورای عالی حقوق بشر، قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل

دادستانی تهران،

شرکت اتوبوسرانی تهران

مدیر اجرایی، شرکت حمل و نقل "اف اس آی" ایتالیا

دولت ایتالیا:

نخست وزیر ایتالیا-وزیر امور خارجه ایتالیا-وزیر حمل و نقل ایتالیا

پارلمان ایتالیا:

رئیس مجلس سنای ایتالیا-رئیس مجلس نمایندگان ایتالیا

موضوع: رضا شهابی فوری آزاد باید گردد

"هماهنگ کننده ملی کارگران حمل و نقل عمومی ۲۷ مارس ۲۰۱۵" یک تشکل هماهنگ کننده سراسری در بخش حمل و نقل ایتالیا است که شامل بسیاری از اتحادیه های کارگری ایتالیا در بخش حمل و نقل می شود.

با این نامه ما به تداوم اذیت و آزار رضا شهابی، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که از تاریخ ۹ اگوست ۲۰۱۷ دوباره زندانی شده است، اعتراض می کنیم. بنا به اظهارات دادستانی، که به همسر رضا شهابی گفته شده است، شهابی باید تا ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸ در زندان محبوس بماند.

پزشکی به توصیه پزشک قانونی به سر می برد. لازم به ذکر است آقای شهابی در دوران حبس مجبور گردید که در چهار نوبت مجزا در اعتراض به عدم مراقبت های پزشکی لازم، نسبت به بدتر شدن سلامتی اش و بی حسی سمت چپ بدنش، دست به اعتصاب غذا بزند. آخرین اعتصابش (در آندوره) در اعتراض به به انتقالش به زندان رجایی شهر در کرج ۵۲ روز طول کشید. آقای شهابی در ژانویه ۲۰۱۵ دوباره دادگاهی شد و با اتهام "تبلیغ علیه نظام" - که مربوط به یورش نیروهای انتظامی به بند ۳۵۰ زندان بدنام اوین در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ بود - به یک سال دیگر حبس محکوم شد و این حکم در دادگاه تجدید نظر نیز مورد تایید قرار گرفت.

ما تداوم هدف قرار دادن رضا شهابی و حبس مجدد و ناعادلانه رضا شهابی را شدیداً محکوم می کنیم.

ما همچنین استمرار اذیت و آزار و بازداشت فعالین کارگری در ایران را، که وضعیتی بسیار جدی و غیرقابل انکار است را محکوم می کنیم؛ همه بازداشت شدگان ضروری است فوری و بدون قید و شرط آزاد گردند.

این غیر قابل قبول است که یک فرد به خاطر مبارزه برای حقوق خود، شرایط زندگی انسانی و شرایط کار بهتر برای همکاران خود در حبس باشد. این اقدام سرکوبگرانه نقض جدی حقوق انسانی و تهاجمی غیرقابل تحمل به مفاهیم پایه ای تمدن و عدالت است.

ما همچنین مطلعیم که شرکت حمل و نقل ایتالیایی، "راه آهن دولتی ایتالیا"، در حال همکاری اقتصادی با شرکتهای حمل و نقل ایران، "شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران" است؛ چنین چیزی در شرایطی که کارگران ایران در بخش حمل و نقل نیز سرکوب می شوند و حقوقشان نقض می گردد، قابل تحمل نیست.

ضروری است تا رهایی رضا شهابی و همه کارگرانی که ناعادلانه حبس شده اند، از همکاری با شرکت های ایرانی جلوگیری شود؛ در غیر این صورت ما آماده اعلام اعتصاب در تمام شرکتهای اتوبوسرانی "اف اس آی" در ایتالیا هستیم.

ما از تک تک اتحادیه های کارگری، سازمان های سیاسی و احزاب، و سازمان های اجتماعی در سراسر ایتالیا می خواهیم که از این درخواست و اقدام برای آزادی رضا شهابی و دیگر فعالان کارگری بازداشت شده در ایران حمایت کنند.

۲۶ اگوست ۲۰۱۷-ایتالیا

"هماهنگ کننده ملی کارگران حمل و نقل عمومی ۲۷ مارس ۲۰۱۵"

Coordinamento Nazionale Autoferrotranvieri 27 Marzo 2015
*FS-Busitalia companies

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
جهت دسترسی به اصل نامه، لطفاً به سایت انگلیسی اتحاد بین المللی
مراجعه نمایید

تشکلهای، جریانها و نهادهای سیاسی و اجتماعی و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را، رسماً و کتبا به کنگره دعوت میکند. ما از همه مبارزین سیاسی و علاقمندان به سرنوشت سیاسی حزب حکمتیست و از همه دوستداران حزب دعوت میکنیم که در کنگره هشتم حزب (کنگره اکتبر) فعالانه شرکت کنند. هیئت برگزار کننده کنگره مهمانان و شرکت کنندگان را از فرودگاهها و ایستگاههای مرکزی قطار شهرهای استکهلم و گوتنبرگ به محل کنگره انتقال میدهد.

در اطلاعیه‌های بعدی اطلاعات لازم در مورد نحوه ثبت نام و هزینه شرکت در کنگره، و جنبه‌های فنی و عملی ضروری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات میتوانید با آدرس ایمیل دفتر مرکزی حزب حکمتیست تماس بگیرید.

دفتر مرکزی حزب حکمتیست

daftaremarkzy@gmail.com

کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر) به طور علنی برگزار میشود!

جدالهای طبقاتی و اجتماعی و سیاسی پیش رو است. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست خود را به این صف مبارزاتی و متحقق کردن چنین چشم اندازی متعهد و موظف میداند. میخواهیم کنگره هشتم حزب (کنگره اکتبر) را به صحنه خیز برداشتن در مسیر تحقق انقلاب کارگری در ایران با اتکا به درسهای گرانبهای انقلاب اکتبر تبدیل کنیم.

حزب حکمتیست از کارگران، از پیشروان و رهبران رادیکال کارگری، از فعالین کمونیست و آزادیخواه انتظار دارد در این مسیر و در برگزاری کنگره اکتبر با ما همگام شوند. دفتر سیاسی حزب حکمتیست فعالین و نهادهای کارگری و سوسیالیست و آزادیخواه، احزاب،

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در تاریخ ۴ و ۵ نوامبر ۲۰۱۷ در سوئد برگزار میشود. موعد دو ساله برگزاری کنگره هشتم حزب حکمتیست مصادف است با صدمین سالگرد انقلاب کارگری اکتبر. به همین دلیل طبق تصمیم پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی حزب، کنگره هشتم حزب حکمتیست در روزهای ۴ و ۵ نوامبر ۲۰۱۷، شنبه و یکشنبه نزدیک به تاریخ وقوع انقلاب سوسیالیستی اکتبر در صد سال قبل، با عنوان کنگره اکتبر به طور علنی برگزار میشود.

برگزاری کنگره حزب حکمتیست با عنوان کنگره اکتبر، صرفاً اقدامی سمبلیک و اعلام وفاداری به اهداف کمونیستی و کارگری و انسانی انقلاب بزرگ اکتبر و قدردانی از تلاش درخشان لنین و سازندگان این مهمترین واقعه مهم قرن بیستم نیست. به علاوه و فراتر از آن تاکید ما بر نیاز طبقه کارگر و جامعه بشری امروز به سازماندهی مجدد انقلاب دگرگون کننده دیگری از جنس انقلاب کارگری اکتبر، در آغاز قرن بیست و یکم است. راه پایان دادن به ناهنجاریهای عمیق و زشتی‌های گسترده دنیای کاپیتالیستی امروز، راه رهایی طبقه کارگر و کل بشریت از نظم سیاهی که سرمایه بر بشریت تحمیل کرده، انجام انقلاب اجتماعی پرولتاریا است. جامعه ایران، یکی از کانونهای مهم و آماده به سرانجام رساندن انقلاب کارگری در دنیای معاصر است. به سرانجام رساندن این تحول مهم تماماً در گرو آمادگی طبقه کارگر و رهبری کمونیستی و حزب کمونیستی آن در

ملیت بر خلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما بر خلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.

منصور حکمت،

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

e.mail: siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

منشور کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX Bank: DNB